

# دکتر رابرت ای. پترسون، روح القدس و اتحاد با مسیح، جلسه ۶، مبانی اتحاد با مسیح، عهد عتیق، مشارکت، واسطه‌ها

رابرت پترسون و تد هیلدبرانت © ۲۰۲۴

این دکتر رابرت پترسون در تدریس خود در مورد روح القدس و اتحاد با مسیح است. این جلسه ۶، مبانی اتحاد با مسیح، عهد عتیق، ادغام، واسطه‌ها است.

ما به سلسله سخنرانی‌های خود در مورد اتحاد با مسیح ادامه می‌دهیم و به بررسی بیشتر پیشینه عهد عتیق اتحاد با مسیح می‌پردازیم، شناسایی قوم خدا، ادغام آنها در قوم خود و مشارکت آنها در داستان عهد او را به عنوان پیشگامان اتحاد عهد جدید با مسیح بررسی می‌کنیم، یا تصویری که ما استفاده می‌کنیم این است که آنها بخشی از پایه و اساس اتحاد با مسیح هستند، که فقط در عهد جدید به شکوفایی کامل می‌رسد، اما ریشه‌های آن در اعماق خاک عهد عتیق فرو می‌رود.

دوم، ادغام شدن است، که به معنای عضویت در قوم عهد خدا است. عهد عتیق همچنین اتحاد با مسیح را از طریق پیوستن قومش به یکدیگر در یک بدن توسط خدا، پیشگویی می‌کند. وقتی خدا در عهد عتیق با قومش عهد می‌بندد، این کار را به صورت جمعی انجام می‌دهد، نه صرفاً به صورت فردی.

در پیدایش ۱۷، جایی که خداوند عهد ختنه را می‌دهد، او معنی آن را توضیح می‌دهد. این عهد از تطهیر در جایگاه تکثیر نسل بشر صحبت می‌کند و خداوند می‌گوید: «من خدا تو، ابراهیم، و نسل تو خواهم بود.» این وعده‌ای شگفت‌انگیز است. نجات فردی، نجات جمعی.

نمی‌گوییم هر اسرائیلی که ختنه شده باشد، به طور خودکار نجات می‌یابد، فقط کسانی که قلبشان ختنه شده باشد، یا به اصطلاح عهد جدید، کسانی که از نو متولد شده‌اند، کسانی که واقعاً خداوند را شناخته‌اند. اغلب ما به صورت فردگرایانه فکر می‌کنیم، زیرا آمریکایی هستیم، و این کاری است که انجام می‌دهیم. باورنکردنی است.

حالت پیش فرض ما «من»، «من»، «من» است. «مال من»، از این قبیل چیزها، و رابطه‌مان با خداست، و این ارزشمند است. اما نکته‌ای که سال‌هاست به آن فکر می‌کنم این است که اول از همه، کتاب مقدس یک کتاب جمعی است که به قوم خدا در عهد عتیق، اسرائیل، و قوم خدا در عهد جدید، یعنی کلیسا، می‌پردازد. البته، مسئولیت فردی هرگز لغو نمی‌شود، اما در چارچوب گروه است.

ما به صورت فردی فکر می‌کنیم، من شخصاً با مسیح متحد هستم. این کاملاً درست است. اما خدا همچنین با قوم خود به عنوان یک کل ارتباط برقرار می‌کند، زیرا به محض اینکه من به وسیله روح القدس، به وسیله فیض از طریق ایمان، به مسیح پیوسته‌ام، به هر شخص دیگری که به همان روش ماوراء طبیعی به مسیح پیوسته است، پیوسته است.

ساختارهای عهد و پیمان در اینجا واقعاً مهم هستند. وقتی خدا با قوم خود عهدی می‌بندد، این کار را در درجه اول از طریق یک فرد خاص انجام می‌دهد که نماینده کل قوم است. بنابراین، وقتی خدا با آدم و بعداً نوح عهد می‌بندد، آدم نماینده تمام بشریت است.

من آدم و حوا را به عنوان افراد، بسیار خوب، افراد تاریخی، تأیید می‌کنم، اما آنها فقط این نیستند، آنها نمایندگان قوم خدا هستند. بنابراین، در رومیان ۵، بسیار واضح است که گناه آدم منجر به محکومیت نسل بشر می‌شود. محکومیت و گناهکاری نسل بشر

رومیان ۵، بله، آدم یک فرد است. بنابراین، همانطور که گناه از طریق یک مرد به جهان آمد، آن آدم و مرگ عاقلانه از ESV از طریق گناه خواهد بود، و بنابراین مرگ به همه انسان‌ها سرایت کرد زیرا همه گناه کردند؛ و تمام ترجمه‌های انگلیسی پیروی می‌کند. من تک تک آنها را با خط تیره بررسی نکرده‌ام زیرا NASB، NIV، پولس یک فکر را شروع می‌کند و آن فکر را به پایان نمی‌رساند. اگر قرار بود آن را به پایان برسانم، چیزی شبیه به این می‌شد، بر اساس آیات ۱۸ و ۱۹، زمانی که او برمی‌گردد تا مقایسه ناتمام خود را تمام کند

او چیزی را که ما پروتاسیس، عبارت شرطی، می‌نامیم، ارائه می‌دهد، اما عبارت نتیجه، آپودوسیس، را ارائه نمی‌دهد. بنابراین، همانطور که گناه از طریق یک انسان به جهان آمد و مرگ از طریق گناه، و بنابراین مرگ به همه انسان‌ها سرایت کرد، زیرا همه گناه کردند، به همین ترتیب، از طریق اطاعت یک انسان، عادل شمرده شدن و حیات به همه انسان‌ها رسید. در متن رومیان، این به معنای همه کسانی است که به مسیح ایمان دارند.

آدم واسطه عهد است. عیسی واسطه عهد است، اما عهد عتیق تعدادی از آنها را دارد، و حتی همانطور که ما پایه عهد عتیق هویت قوم خدا را بررسی کردیم، حضور خدا با قومش، اکنون به دومین پایه عهد عتیق سنگ، اگر بخواهید، ادغام، عضویت در قوم عهد خدا، می‌رویم و این شامل ساختار عهدی واسطه‌ها، جمع می‌شود. آدم نماینده تمام بشریت است.

نوح آشکارا نماینده تمام بشریت است. او به عنوان آدم دوم معرفی شده است، شکی نیست. او، نه آدم دوم، آن عیسی است، اما او هست، عبارت کتاب پیدایش تکرار شده است.

در پیدایش ۱ و ۲، این موضوع در پیدایش ۹، پس از طوفان نوح، تکرار می‌شود. البته عهد جدید، مسیح را به عنوان میانجی نهایی عهد به تصویر می‌کشد، که میانجی‌های عهد عهد عتیق به آن اشاره می‌کردند. «یک خدا وجود دارد و یک میانجی بین خدا و انسان وجود دارد، آن انسان، مسیح عیسی.» اول تیموتائوس ۲:۵

هویت عیسی به عنوان مسیح از خاندان داوود، او را به عنوان میانجی عهد در سلسله میانجی‌های عهد عهد عتیق معرفی می‌کند. آدم، نوح، ابراهیم، موسی و داوود، پنج نفر بزرگ را نام می‌برند. اگر بخشی از اتحاد با مسیح به بدن او متصل باشد، و مطمئناً همانطور که تصاویر پولس نشان می‌دهد، چنین است، که در درس‌های آینده بررسی خواهیم کرد.

اگر بخشی از این اتحاد به بدن عیسی، یعنی کلیسا، متصل باشد، آنگاه رابطه‌ی عهدی خدا در عهد عتیق روشن می‌کند که منظور از ادغام شدن در قوم خدا و در نتیجه اتصال به خود خدا چیست. اتحاد عهد جدید با مسیح به همان اندازه تجسم و پنطیکاست منحصر به فرد است. اما از هیچ چیز به وجود نمی‌آید؛ مسیحیان و کلیساهای و رویکردهایی که عهد جدید را از عهد عتیق جدا می‌کنند، عهد جدید را به درستی درک نمی‌کنند.

همانطور که یکی از دوستان عهد عتیق من، که فردی بسیار شوخ طبع بود، گفت، چرا می‌توانید، چطور می‌توانید دو سوم داستان را نادیده بگیرید؟ او یک فرد اهل عهد عتیق بود، و خیلی خنده‌دار بود، فقط خیلی خنده‌دار. من می‌توانم برای شما داستان تعریف کنم، اما در حال حاضر این کار من نیست. واسطه‌های عهد، بیایید این ایده را بیشتر دنبال کنیم.

عبرانیان ۹:۱۵، عیسی واسطه عهد جدید است. این آیه فوق‌العاده‌ای است. سال‌ها تدریس می‌کردم که فداکاری او چنان عظیم و مؤثر بود که برای گناهان همه قوم خدا در همه اعصار، از جمله مقدسین عهد عتیق، مفید واقع شد.

و در اینجا آیه‌ای را در کار بر روی کتابی برای کار مسیح یافتیم که واقعاً همین را می‌گفت. بنابراین، در آیات آیه قبلی، خون مسیح که از طریق روح ابدی خود را بدون نقص به خدا تقدیم کرد، چقدر بیشتر وجدان ما را از اعمال مرده پاک می‌کند تا به خدای زنده خدمت کند؟ قربانی عیسی، کار خدا-انسان، که توسط پدر مقدر شده است، به یک معنا، کار روح القدس نیز هست.

عیسی خود را از طریق روح القدس ابدی تقدیم کرد و بدین ترتیب قربانی خود را به یک قربانی مطلق تبدیل کرد، قربانی‌ای که در عهد عتیق به آن اشاره شده بود و آنها را به شدت متوقف می‌کند. دیگر قربانی‌ای وجود ندارد. به خدا احترام بگذارید. دیگر در اسرائیل، قوم برگزیده خدا، در مکانی که او اورشلیم را مقدر کرده بود، به روشی که او با کاهن و قربانگاه و کل معبد مقدر کرده بود، قربانی دیگری وجود ندارد.

آنها دیگر نیستند، منسوخ شده‌اند. آنها دیگر معتبر نیستند. در واقع، این واقعیت که آنها اعتباری داشتند، و داشتند، اوه، رستگاری هرگز سرسری نیست.

ظاهراً پسران الی نجات نیافتند و به خواسته‌هایشان عمل کردند. اما بنی اسرائیل مؤمن، که بالای سر حیوانی که جایگزین آنها شد و به جای آنها کشته شد، به گناهان خود اعتراف کردند و به بخشش گناهانشان توسط خدا ایمان داشتند، بخشیده شدند. آیا آنها همه چیز را در مورد مرگ، رستخیز و عروج عیسی می‌دانند؟ البته که نه.

فکر می‌کنم شاید آنها آمدن نجات‌دهنده را به طور مبهم می‌دیدند. مطمئناً، آنها به خدا، خدای زنده، که خدای عهد آنهاست، اعتماد داشتند تا با ابزارهای مقدر شده‌اش با گناهانشان برخورد کند. و از جانب خدا، من می‌دانم که خدا چه در نظر داشت.

بنابراین، او واسطه‌ی عهد جدیدی است تا کسانی که فراخوانده شده‌اند، میراث ابدی موعود را دریافت کنند زیرا مرگی رخ داده است که آنها را از گناهی که تحت عهد اول مرتکب شده‌اند، رهایی می‌بخشد. کار مسیح نه تنها قربانی‌های عهد عتیق را متوقف می‌کند، بلکه آنها را در نقشه‌ی خدا نیز مؤثر می‌سازد. زیرا هر آنچه که عبادت‌کنندگان عهد عتیق درک می‌کردند، خدا می‌دانست که اساس یا زمینه‌ی عینی بخشش، خون گاوها و بزها نیست.

اوه، چه تصویر زیبایی. زیبا؟ کالوین آن را تصویری متعفن از انجیل می‌نامد. تصویری واقعی از انجیل.

اما اکنون دیگر به تصاویر بیشتری نیاز نداریم. واقعیت فرا رسیده است. بره خدا که گناهان جهان را برمی‌دارد، واسطه نهایی عهد است که با قربانی کردن خود، همه قوم خدا را در همه اعصار نجات می‌دهد.

من این را از نظر حاکمیت الهی گفتم. او همه برگزیدگان را رستگار می‌کند. همچنین باید این را از نظر مسئولیت انسانی بگویم.

او هر که به پسرش ایمان آورد را نجات می‌دهد. عیسی واسطه‌ی عهد جدید است. ابراهیم، نوح، موسی و داوود چنین نیستند.

آدم و نوح واسطه‌های عهد جدید نیستند. خدای من! فقط عیسی واسطه است.

اما این واسطه‌ی عهد منحصر به فرد، پیش از واسطه‌های عهد عهد عتیق، از جمله آدم، نوح، ابراهیم، موسی و داوود، وجود داشته است. ما اصول واسطه‌گری عهد خدا، و به طور خاص ساختار عهدی واسطه‌های عهد او را درک می‌کنیم تا این واقعیت را بهتر درک کنیم که خدا نه تنها با بنی اسرائیل به عنوان افراد رفتار می‌کرد، که البته این کار را هم کرد، بلکه به واسطه‌ی ادغام، آنها را به صورت جمعی قوم خود ساخت. و این بخشی از پیشینه‌ی عهد عتیق برای اتحاد با مسیح است.

ما به عیسی ایمان داریم، به او پیوسته‌ایم و به قوم او پیوسته‌ایم. آدم نماینده بشریت در پیمان خلقت، یا همانطور که برخی اصرار دارند، پیمان اعمال است. من با این مخالف نیستم، اما من به طور کلی‌تر برای کسانی صحبت می‌کنم که این اصطلاح را دوست ندارند.

آدم و حوا مباشران خلقت نیکوی خدا بودند. آنها خادم و سرپرست خدا بودند. آنها اربابان کوچکی بودند، کوچک، تحت فرمان پروردگار الهی، و از خلقت نیکوی خدا، به معنای واقعی کلمه و به معنای معنوی، و به صورت مجازی، مراقبت و آن را پرورش می‌دادند.

ای پروردگار ما، نام تو چه باشکوه است در تمام زمین. و آن پروردگار باشکوه، آدم و حوا را با جلال و افتخار تاجگذاری کرد و همه چیز را زیر پای آنها قرار داد. آنها مباشران او بودند؛ آنها برای خدا حکومت می‌کردند، اما سقوط، مباشرت آنها را لکه‌دار کرد، رابطه آنها را با خدا خراب کرد و نیاز شدید به فیض را نشان داد.

در واقع، همانطور که از رومیان باب ۸ آموختیم، خود خلقت سقوط کرد و آن نیز به رستگاری نیاز دارد، کولسیان ۱ تعلیم می‌دهد که کار مسیح آنقدر شگفت‌انگیز است که نه تنها دشمنان ما را شکست می‌دهد مسیحیان و کل کلیسای ایماندار را نجات می‌دهد و خدا را جلال می‌دهد، بلکه کار مسیح در واقع آسمان و زمین را با خدا آشتی می‌دهد. رومیان ۸ از تصویر رستگاری برای بیان همین واقعیت استفاده می‌کند.

مسیح، صلیب و قبر خالی، خلقت سقوط کرده خدا را نجات می‌دهند. پولس در دو جا، رومیان ۵:۱۲ تا ۱۹:۱ قرنتیان ۱۵، در واقع در دو جای مختلف، آدم، اولین واسطه عهد، را در کنار مسیح، واسطه عهد جدید، قرار می‌دهد. پولس در اول قرنتیان ۱۵، آیات ۵۷ تا ۵۹، جایی در همین جا، انسان دوم، آخرین آدم را می‌نامد.

مسیح آدم دوم است زیرا او تنها دومین سر عهد است که به حق رسیده است. او، ما حوا، مادر همه زندگان را تحقیر نمی‌کنیم، اما او به سادگی سر عهد نیست. گناه حوا، اگرچه او در تمام این تلاش همدست بود، به حساب‌های بانکی معنوی ما منتقل نمی‌شود، اما گناه آدم منتقل می‌شود.

مسیح آدم دوم است. او آخرین آدم است. پس از او واسطه‌ای برای عهد وجود نخواهد داشت.

دیگر نیازی به هیچ واسطه عهدی پس از او نیست، و در واقع، باز هم، دستاورد نجات بخش او بسیار عظیم است، و همانطور که الهیات مسیحی همیشه گفته است، برای خود آدم و حوا، به همراه همه مؤمنان در همه اعصار، تصور اینکه خداوند در نجات زوج اول کوتاهی کند، دشوار است. می‌توانیم به اولین وعده انجیل در پیدایش ۳:۱۵ استناد کنیم، و برخی به مفهوم فداکاری که در پوشاندن آنها با پوست توسط خدا نهفته است، استناد کنیم. ما معتقدیم که آنها، مانند هر کس دیگری که تا به حال نجات یافته است، توسط مسیح نجات یافتند.

نوح آدم دوم است، نه آدم دوم. نوح، همانطور که آدم بود، پدر هفت نفر دیگری است که در سیل نجات یافتند. البته ما خانم نوح را هم در این جمع حساب می‌کنیم، که می‌شود نه نفر.

خداوند فرمان عدن را برای نوح و پسرانش تکرار می‌کند، پیدایش ۹:۱ و ۷. و خداوند نوح و پسرانش را برکت داد، پیدایش ۹:۱، و به آنها گفت: بارور و کثیر شوید و زمین را پر کنید. ۹:۷، و بارور و کثیر شوید، در زمین بسیار زیاد شوید و در آن تکثیر شوید. این زبانی است که به آدم و حوا داده شد.

نوح به عنوان آدم دوم، یا به عبارت دیگر، پدر کسانی که از طوفان بزرگ جان سالم به در بردند، به تصویر کشیده شده است. رنگین کمان نشانه ای از عهد نوح است که به موجب آن خداوند قول می‌دهد دیگر زمین را با آتش یا آب نابود نکند. نقش نوح به عنوان واسطه عهد برای جهانی احیا شده، پیشگویی کننده نقش مسیح به عنوان واسطه عهد برای جهانی است که کیهان از طریق او و برای او بازسازی خواهد شد.

مسیح نه تنها آدم دوم است، بلکه به این ترتیب، نوح دوم نیز هست. من این را به عنوان یک مقاله در باور کلیسا مطرح نمی‌کنم، اما به یک معنا درست است. او واسطه عهد است که خداوند از طریق او جهان را برای همیشه احیا می‌کند.

تنها به این دلیل که خدا انسان شد، زندگی بی‌گناهی داشت، در مکانی از گناهکاران مُرد، در روز سوم دوباره زنده شد، به سوی پدر بازگشت و دوباره می‌آید که آسمان‌های جدید و زمین جدید به وجود خواهند آمد. کفار و رستائیز عیسی، افراد، کل کلیسا و همچنین، اگر بخواهید، خلقت را نجات داد. نام او را ستایش کنید.

ابراهیم، در حالی که آدم و نوح نماینده تمام بشریت هستند، ابراهیم نماینده قوم خداست. پیدایش ۱۲: ۱ تا ۳. از میان تمام مردم روی زمین، خدا پسر بت‌پرستان را انتخاب می‌کند. پایان کتاب یوشع این را به ما می‌گوید.

پدر ما، تارح، در آن سوی رودخانه، در بین‌النهرین، بت‌ها را می‌پرستید. ابراهیم از خانواده‌ای بود که خدای ماه را می‌پرستیدند. خدا چه چیزی را نشان می‌دهد؟ اینکه رستگاری تماماً از فیض اوست و همه برای جلال اوست.

ابراهیم هیچ سهمی نداشت. آنچه ابراهیم در نجات خود به ما داد، همان چیزی است که ما در گناه به آن سهم می‌دهیم. حال، خداوند به ابراهیم گفت، پیدایش ۱۲:۱، از سرزمین خود و از خویشاوندان و خانه پدرت به سرزمینی که به تو نشان خواهم داد، برو و از تو ملتی بزرگ خواهم ساخت و تو را برکت خواهم داد و نام تو را بزرگ خواهم کرد تا تو مایه برکت باشی.

کسانی را که تو را برکت دهند، برکت خواهم داد و کسی را که تو را بی‌حرمت کند، نفرین خواهم کرد، و در تو همه خانواده‌ها را. بعداً، فکر می‌کنم در آیه ۲۲ است که می‌گوید ملت‌های زمین برکت خواهند یافت. عبرانیان به ما می‌گویند که این سرزمین وعده داده شده بود؛ آیا فلسطین بود؟ آیا سرزمین موعود بود؟ البته ۱۲.

عبرانیان ۱۲ می‌گویند، ابراهیم در نهایت به آینده نگاه کرد، نمی‌دانم چقدر کامل آن را درک کرد، احتمالاً به طور مبهم از دوردست به شهری بی‌پایه، با پایه، که سازنده و خالق آن خداست. یعنی، ابراهیم، در چشم‌انداز بلندمدت، زمین جدید را دید، اگر بخواهید. خدا به طور خاص خانواده ابراهیم را انتخاب می‌کند.

خانواده، پروردگارا، این مسخره است. بی‌احترامی ظاهری مرا ببخشید. سارا خیلی پیر است و به خدا می‌خندد.

او نمی‌تواند بچه‌دار شود، و ابراهیم هم دقیقاً جایگاه مردانگی و باروری نیست. این [روش/روش / ...] جواب نمی‌دهد. خدا می‌گوید که جواب می‌دهد، و بعد ابراهیم و سارا نقشه می‌کشند.

آه، بگذار برادرزاده باشد، و بگذار پسرعمو باشد، بگذار از طریق هاجر باشد. این روشی بود که در خاور نزدیک باستان برای بزرگ کردن یک وارث استفاده می شد. نه، نه، وارث از بدن تو در رحم سارا به دنیا خواهد آمد. ای خداوند، به ابراهیم اعتبار بده

او مردد بود اما در نهایت مردد نشد، و رومیان ۴ می گوید که او معتقد بود خدا می تواند از مردگان حیات بیاورد، و این کار را کرد. از یک رحم مرده و یک مرد مرده، از نظر فیزیکی، از نظر داشتن نسل، خدا یک ملت قدرتمند را آورد، و در نهایت، او عیسی مسیح، پسر داوود، پسر ابراهیم، را برای نجات جهان آورد. این تمام چیزی است که به او ایمان می آورد

خداوند ابراهیم و خانواده اش را به عنوان وسیله ای برای برکت دادن به کل زمین انتخاب می کند. خداوند با ابراهیم عهدی می بندد و بنابراین ابراهیم واسطه عهد است، واسطه ای بسیار مهم، زیرا اسلش جدید ببخشید، عهد ابراهیمی در کتاب مقدس چنان به عهد جدید پیوسته است که می توانیم آن را عهد جدید، اسلش ابراهیم بنامیم، که عهد موسی و عهد داوود زیرمجموعه های آن هستند، اما عهد بزرگ و فراگیر همانطور که غلاطیان ۳ به ما نشان می دهد، عهدی است که با ابراهیم بسته شده و در مسیح تحقق یافته است. شریعتی که ۳۰ سال بعد مطرح شد، آن عهد را که از طریق فیض از طریق ایمان، در نسلی که قرار است بیاید، یعنی مسیح، است، باطل نمی کند

نه! شریعت زیرمجموعه ای از عهد ابراهیمی است. اشتباه یهودیان دقیقاً برداشت نادرست از عهد عتیق بود. آنها عهد موسی را موضوع اصلی قرار دادند

نه! این تابع عهد ابراهیمی است. شریعت تابع آن است، پس چرا شریعت؟ پولس از دو تصویر آشنا برای مردم قرن اول استفاده می کند. خب، یکی از آنها برای مردم یهودی قرن اول شناست

شریعت زندانبانی است تا ما را به بند بکشد و نیازمان به فیض خدا را از طریق ایمان به مسیح به ما نشان دهد. و شریعت یک آموزگار است. ما در زندگی خود، اما در زندگی امروزمان، یک تشبیه کامل نداریم

مربیان مردانی بودند که با بچه ها وقت می گذرانند، آنها را تا مدرسه همراهی می کردند و برمی گرداندند، باید بگویم پسران، آنها پیاده به مدرسه می رفتند و برمی گشتند، به درس هایشان گوش می دادند، آنها را تربیت می کردند، و پولس می گوید که شریعت هم همینطور است. تا زمانی که مسیح نیامده بود، مثل یک مربی بود و دیگر نیازی به زندانبان و مربی نبود. آیا او می گوید که شریعت هیچ کاربردی در زندگی مسیحی ندارد؟ نه، او این را نمی گوید

این چیزی نیست که او درباره اش صحبت می کند. او درباره شریعت به عنوان یک نهاد، به عنوان یک دوره، به عنوان یک دوره در رفتار خدا با قومش صحبت می کند. وعده، عهد با ابراهیم، وعده بزرگی است

موزاییک زیر آن قرار دارد. و بنابراین، من زنان واقعاً فوق العاده و صادق را می شناسم که در مطالعه کتاب مقدس بانوان شرکت می کنند و عبرانیان را می خوانند و به اشتباه فکر می کردند که خدا عهد ابراهیمی را لغو می کند. من این را درک می کنم، و می توانم این را درک کنم

هرچند اشتباه است. قبلاً در فصل دوم کتاب ابراهیمی در مورد آن صحبت شده است. در فصل ششم نزدیک به پایان، واقعاً واضح است. نه، عهد جدید، تحقق عهد ابراهیمی و ابطال عهد موسی به عنوان یک عهد، به عنوان راهی برای ارتباط با خداست

این [فرمان] به طور موقت برای نشان دادن گناهان و خدمت به قوم خدا در دوران کودکی‌شان به عنوان یک معلم داده شد. اکنون که ما بزرگسال هستیم، در عهد جدید ابراهیمی هستیم. البته، ما از ده فرمان که وحی ابدی از شخصیت خدا هستند، اطاعت می‌کنیم.

خدا وعده داد که ابرام، ابراهیم، را به امتی بزرگ تبدیل کند و او را برکت دهد تا او نیز جهان را برکت دهد، در نهایت از طریق یکی از فرزندانش، خود عیسی. بنابراین، عهد جدید با همین کلمات آغاز می‌شود. اولین کلمات عهد جدید، کفاره؟ خیر.

رستاخیز؟ نه. خداوند چنین می‌گوید؟ نه. کتاب نسب‌نامه‌ی عیسی؟ او نه، یکی می‌گوید.

من یک نوه ده ساله دارم که کتاب مقدس را می‌خواند. کتاب اول تواریخ کتاب مورد علاقه او نبود. بابا، همه آن شجره‌نامه‌ها، جریان چیست؟ خب، حدس بزنید عهد جدید چگونه شروع می‌شود؟ کتاب شجره‌نامه عیسی مسیح.

این اولین کلمات عهد جدید است. پسر داوود، پادشاه مسیحایی، و این همان معنای پسر خداست. او، او، فقط هر پسر خدایی نیست؛ او پسر الهی خداست، اما او پادشاه است، پادشاه نهایی، پسر ابراهیم.

چقدر زیباست عیسی، واسطه عهد جدید، که عهدی را که خدا با ابراهیم بسته بود، تکمیل و جایگزین می‌کند، خدا ابراهیم را به خاطر ایمانش عادل می‌داند. پیدایش ۱۵، ۶. ابراهیم به خدا ایمان داشت و این ایمان عدالت را به او نسبت داد.

این آیه در رومیان، غلاطیان و عبرانیان نقل شده است، و من یک بار مقاله‌ای درخشان از ریچارد لانگنکر خواندم که نشان می‌دهد ابراهیم به خدا ایمان داشته است. شاید این موضوع در عبرانیان مورد تأکید قرار گرفته و برای او به حساب آمده است. به هر حال، این سه کتاب بر جنبه‌های مختلف آن نقل قول عالی تأکید دارند.

من نمی‌توانم این کار را کاملاً انجام دهم، اما همه آنها آن را نقل می‌کنند. این در عهد جدید به طور برنامه ریزی شده وجود دارد که رستگاری به واسطه فیض خدا از طریق ایمان است. به نظر من، عادل شمردن او مانند رومیان است.

را فراموش کردم. خدا ابراهیم را به خاطر ایمانش عادل می‌داند، پیدایش ۱۵، ۶، و قول می‌دهد که تا ابد خدا برای او و فرزندانش باشد. بنابراین، در همان غلاطیان ۳ که می‌گوید عیسی از نسل ابراهیم است، در اواخر غلاطیان ۳، می‌گوید که ایمانداران به عیسی به طور جمعی نسل ابراهیم هستند.

از طریق واسطه عهد، ما با ایمان، عضو عهد و پسران یا دختران ابراهیم می‌شویم. همانطور که خدا به آدم و نوح وعده‌های زمین داد، خدا تمام سرزمین کنعان را، همانطور که نقل می‌کنم، به ابراهیم و فرزندانش برای مالکیت ابدی بخشید. پیدایش ۱۷:۸. من فکر می‌کنم ما وعده‌های زمین را تحقیر می‌کنیم، ما از تأکید بر آن می‌کاهیم، کلمه بهتر، یعنی سرزمین.

خدای من، آدم و حوا بر زمین مباحثین بودند. نوح هم همینطور. و از وعده‌هایی که به ابراهیم داده شد، یکی از آنها که ما نادیده گرفتیم، بسیاری از مسیحیان هم نادیده می‌گیرند، سرزمین کنعان است که نمادی از آسمان‌های جدید و زمین جدید است.

پیدایش ۱۵، ۱۷:۸، ببخشید. در نهایت، ابراهیم مشتاقانه منتظر زمین جدید است. عبرانیان ۱۰:۱۱ و بسیاری از مؤمنان این را نمی‌دانند، بنابراین من به آنجا می‌روم. ۱۱:۱۶.

ما باید کتاب مقدس را با دقت، در بخش‌های کوچک، بارها و بارها، با مطالعه، تفکر، دنبال کردن موضوعات و غیره بخوانیم. شاید از برخی روش‌هایی که در مطالعه استقرایی کتاب مقدس آموخته‌اید استفاده کنیم، اما این جایگزین خواندن گسترده کتاب مقدس در بخش‌های بزرگ و شاید خواندن کامل آن هر ساله نیست.

دانش ما از اجزا به اندازه دانش ما از کل است، و پس از سال‌ها تدریس و غیره، این موضوع در چند سال گذشته با قدرت جدیدی به من ضربه زده است. عبرانیان ۱۰:۱۱. برای ابراهیم، ۱۱:۹ از عبرانیان، ابراهیم با ایمان به سرزمین موعود رفت تا در آنجا زندگی کند، گویی در سرزمینی بیگانه است. آنجا جایی نبود که او از آن آمده بود.

او اهل اور کلدانیان بود و در خیمه‌ها با اسحاق و یعقوب، وارثان وعده‌های یکسان، زندگی می‌کرد. زیرا او ابراهیم، مشتاقانه منتظر شهری با پایه‌های استوار بود که طراح و سازنده‌اش خداست. ابراهیم آن را مبهم و از دور می‌دید، اما در نهایت، کنعان از جانب خدا درباره زمین جدید سخن گفت.

همانطور که هست، آنها، مقدسین عهد عتیق که با خدا راه می‌رفتند، آرزوی کشوری بهتر، یعنی کشوری ۱۶. آسمانی، را دارند.

بنابراین، خدا از اینکه خدای آنها نامیده شود، عار ندارد، زیرا شهری برای آنها آماده کرده است. در واقع، این شهری آسمانی و زمینی است. این زمین جدید، اورشلیم جدید است که طبق مکاشفه ۲۱ از آسمان به زمین نازل می‌شود.

پولس می‌گوید عهد خدا با ابراهیم بر اساس فیضی بود که در ایمان دریافت شد و با فرزندان او، که مسیح است، سروکار داشت، غلاطیان ۳:۱۶. عهد ابراهیمی اساس عهد جدید است و مؤمنان عهد جدید، نقل قول از نسل ابراهیم، وارثان وعده هستند. معنای آن، نقل قول نزدیک، حیات ابدی است، غلاطیان ۳:۲۹. مسیح، واسطه عهد جدید، بسیار بزرگتر از واسطه بزرگ عهد عهد عتیق، ابراهیم، است. ما این را در عبرانیان دیدیم. ما آن را در عبرانیان ۱۲:۲۴ می‌بینیم. ما به کوه سینا نمی‌رویم که در آن بلرزیم ۹:۱۵.

ما به سوی عیسی، واسطه عهد جدید، و به سوی خون پاشیده شده، خون او، که کلامی بهتر از خون هابیل می‌گوید، عبرانیان ۱۲:۲۴. همانطور که خدا از انسان بزرگتر است، یوحنا ۸:۵۸. عیسی گفت: پیش از آنکه ابراهیم باشد، من هستم. موسی، پیش از شنیدن این سخنرانی‌ها، اگر از شما می‌پرسیدم واسطه عهد عتیق کیست، احتمالاً می‌گفتید موسی، و اشتباه نمی‌کردید. موسی، بنده خداوند، که خدا رو در رو با او سخن گفت، واسطه عهد عتیق است، کسی که نام او را بر خود دارد، کسی که خدا آن را با اسرائیل نجات یافته در کوه سینا بست.

ابراهیم وعده داده بود که او ملتی بزرگ خواهد بود، عهد خدا با موسی نیز اسرائیل را به عنوان قوم برگزیده خدا تثبیت می‌کند. حال، به آنچه خداوند نیکو پس از خروج از مصر به موسی گفت گوش دهید، خروج ۱۹، خداوند موسی را از کوه ندا داد، خروج ۱۹:۳، و گفت: «به خاندان یعقوب چنین بگو و به قوم اسرائیل بگو. شما خود دیده‌اید که من با مصریان چه کردم و چگونه شما را بر بال‌های عقاب حمل کردم و نزد خود آوردم.»

بنابراین، اکنون، اگر واقعاً از صدای من اطاعت کنی و عهد مرا نگه داری، در میان همه قوم‌ها، گنجینه من خواهی بود، زیرا تمام زمین از آن من است. از میان تمام زمین، خدا اسرائیل را به عنوان گنجینه خود

برمی‌گزیند. گاهی اوقات می‌توانیم روایت را بخوانیم و فکر کنیم که او جایزه بزرگ را دریافت کرده است، اما او این قوم در نهایت لجوج و سرسخت را انتخاب کرد تا نام او را جلال دهند و فیض خود را نشان دهند.

سپس دوباره، من این را می‌گویم، در نهایت، تا پسر داوود، پسر ابراهیم، را به عنوان موسی بزرگتر و داوود بزرگتر، و آدم دوم، خداوند عیسی مسیح، به دنیا بیاورم. شما برای من پادشاهی کاهنان خواهید بود. آنها باید خدا را به عنوان نمونه‌ای برای سایر ملت‌ها پرستش کنند، به عنوان قومی که خدای خود را می‌شناختند و او را دوست داشتند و از او اطاعت می‌کردند، و به عنوان یک ملت مقدس.

همین کلمات در اول پطرس ۲ عهد جدید نقل شده است. خدا با موسی عهد می‌بندد، که به عنوان واسطه عهد، نماینده ملت اسرائیل است. خدا اسرائیل را دارایی ارزشمند خود می‌نامد، آیه ۵، که پادشاهی کاهنان و ملت مقدس خواهد بود، آیه ۶. قوم خدا قرار است بشریت بازسازی شده باشند و هدفی را که همه انسان‌ها برای آن آفریده شده‌اند، محقق کنند، یعنی هدف این است که خدا را دوست داشته باشند، او را پرستند و به او خدمت کنند.

اگر بخواهید، آنها نوادگان جدید آدم و نوح هستند. این یک بشریت رستگار شده است. اسرائیل خود را متعهد می‌کند.

هر آنچه خداوند گفته است، ما انجام خواهیم داد، خروج ۲۴: ۷. البته اسرائیل در انجام این دعوت والا شکست خواهد خورد. بارها و بارها، آنها به واسطه خود، که موسی خواهد بود، نیاز خواهند داشت تا برای آنها مداخله کند، تا زمانی که واسطه بزرگتری، عیسی، بیاید و تمام احکام شریعت را انجام دهد. با متی ۱۷: ۵ مقایسه کنید. پولس، به نوعی، واسطه عهد است.

کتاب مقدس هرگز او را اینگونه خطاب نمی‌کند، اما او ما را به یاد موسی می‌اندازد وقتی در رومیان ۱۰: ۱۰ خود را فدا می‌کند. او اساساً می‌گوید که برای نجات قومش به جهنم می‌رود. او، حرف من درست است.

بخشید، ۹: ۳ است. من غم بزرگی دارم، رومیان ۹: ۳، و در قلبم رنج بی‌وقفه‌ای دارم. فکر می‌کردم آرامش خدا به ما درک و فهمی برتر از همه چیز می‌دهد، و همینطور هم هست، اما ما در عین حال از کشمکش‌ها مصون نیستیم. بنابراین، پولس برمی‌گردد و استراحت می‌کند، اما در این بین، چون می‌توانستم آرزو کنم که خودم به خاطر برادرانم، خویشاوندانم، طبق جسم، نفرین شده و از مسیح جدا شوم.

آنها بنی اسرائیل هستند و همینطور ادامه دارد، رومیان ۹: ۳ و ۴. بارها و بارها، بنی اسرائیل به واسطه خود، موسی، نیاز خواهند داشت تا برای آنها مداخله کند. او بین خدا و قوم قرار می‌گیرد.

او می‌گوید: «پروردگارا، مرا نفرین کن، چون خدا می‌خواهد مردم را نفرین کند.» همانطور که قبلاً گفتم، دیگر بنی اسرائیلی وجود نخواهد داشت. گروهی از موسی‌زادگان، قومی جدید، وجود خواهند داشت.

آیا این برای موسی وسوسه‌انگیز بود؟ ظاهراً نه. نه، به خاطر نام خدا، لطفاً قوم خود را نابود نکن، ای خداوند. اگرچه او سرانجام از آنها دلخور شد و به صخره برخورد کرد.

من بامزه‌ترین استاد تاریخ کلیسا، توماس تیلور، را داشتم، یک برادر بامزه و فوق‌العاده در خداوند، که با رفتار و همچنین تدریسش، که قابل توجه بود، چیزهای زیادی به من آموخت. او استاد عهد عتیق بود. او عاشق تاریخ کلیسا بود.

اما او گفت که موسی آن موقع به سرزمین‌های موعود نرسید، اما بعداً با همراهی بسیار بهتر به آنجا رسید. او در مورد الیاس صحبت نمی‌کرد، بلکه در مورد عیسی بر فراز کوه تجلی صحبت می‌کرد. مرد خیلی بامزه بود.

موسی بین مردم و خدا ایستاد تا اینکه واسطه‌ای بزرگتر، یعنی عیسی، آمد و تمام احکام شریعت را به انجام رساند، متی ۱۷: ۵. من شریعت را لغو نمی‌کنم، من آن را به انجام می‌رسانم. من آن را به ثمر می‌آورم.

و رومیان می‌توانستند بگویند، مسیح، رومیان ۱۰، آغاز. مسیح پایان شریعت، نقطه پایان، هدف شریعت برای پارسایی هر که ایمان آورد، است. موسی واسطه بود، غلاطیان ۳، ۱۹، که از طریق او شریعت برقرار شد.

عهدی که موسی واسطه آن بود، ۴۳۰ سال بعد از آن آمد. آن کسی که واسطه آن بود، عهدی که موسی واسطه آن بود، ۴۳۰ سال بعد آمد، آن کسی که ابراهیم واسطه آن بود و بنابراین آن را باطل نمی‌کند. غلاطیان ۱۷: ۳، موسی یک واسطه بزرگ عهد عهد عتیق بود.

او مرد بزرگی در تمام خانه خدا بود. عبرانیان، نمی‌خواهم این فصل را اشتباه بفهمم. کسی سریعاً به من کمک کند.

به هر حال، کتاب عبرانیان در اوایل می‌گوید که موسی پسری در خانه خدا بود. عیسی پسری بر خانه خداست. و این به مسیح جایگاه خدا را در مقابل مرد بزرگ خدا، موسی، می‌دهد.

به نظر می‌رسد آن آیات از کتاب مقدس من حذف شده‌اند. من آن را نمی‌فهمم، اما بعداً سعی می‌کنم کمی آن را واضح‌تر کنم. موسی یک واسطه بزرگ عهد عهد عتیق بود.

اما اگرچه وجود داشت، وجود دارد، اما اگرچه باید جمله بعدی را بخوانم، اگرچه بین عهدهای جدید ابراهیمی موسی پیوستگی وجود دارد، مسیح به عنوان پسری بر خانه خدا، عبرانیان ۳، بیخشید، بسیار برتر از موسی است، خادمی در تمام خانه خدا. عبرانیان ۳: ۲ تا ۶. من در فصل‌های ۴ و ۵ جستجو می‌کردم. وای. کار مسیح، واسطه و ضامن عهد جدید، عهد بسته شده با موسی را لغو می‌کند و آن را منسوخ می‌سازد.

عبرانیان ۷: ۱۸، ۱۹. عبرانیان ۷: ۲۲. عبرانیان ۸: ۶ و ۸: ۱۳.

در واقع، کار نجات‌بخشی مسیح آنقدر عظیم است که نه تنها برای مؤمنان عهد جدید مفید است، بلکه همانطور که قبلاً چندین بار گفته‌ایم، مقدسین عهد عتیق را نیز نجات می‌دهد. عبرانیان ۹: ۱۵. داوود.

داوود همچنین واسطه عهد عهد عتیق است. خدا با او عهد می‌بندد که پادشاه قوم اسرائیل باشد. دوم سموئیل ۷: ۱۲ تا ۱۶، برخی از مهمترین کلمات در کل عهد عتیق هستند.

برای مثال، این به ما کمک می‌کند تا عیسی را به عنوان پسر خدا درک کنیم. دوم سموئیل ۷: ۱۲ تا ۱۶. وقتی روزهای تو، داوود و تو، به همراه پدران تو بخوابی، من نسل تو را که از نسل تو خواهد بود، پس از تو خواهم برانگیخت و پادشاهی او را برقرار خواهم کرد.

من تخت پادشاهی او را تا ابد استوار خواهم کرد. من برای او پدر خواهم بود و او برای من پسر خواهد بود. پادشاه اسرائیل، در پادشاهی تقسیم شده، یهودا خواهد بود، پسر خداست که خدا به طور خاص پدر اوست.

وقتی مرتکب گناه شود، او را با عصای آدمیان و با تازیانه‌های بنی آدم تنبیه خواهیم کرد. اما محبت پایدار من از او جدا نخواهد شد، چنانکه آن را از شائول که او را از حضور تو دور کردم، گرفتم. و خانه و سلطنت تو تا ابد در حضور من پایدار خواهد ماند.

این چیزی است که ناتان به داوود گفت. داوود پیشنهاد داد که برای خدا خانه‌ای، معبدی بسازد. نه، خداوند می‌گوید، من تو را خواهم ساخت.

تو مرد جنگی هستی. این وظیفه پسر است که این کار را انجام دهد. من برای تو خاندانی خواهم ساخت. یک سلسله، خاندان داوود.

خداوند به داوود وعده می‌دهد که نسل او تا ابد بر پادشاهی خدا سلطنت خواهد کرد. اینها کلماتی هستند که مریم شنید. اینها کلماتی هستند که شمعون در معبد پیشگویی کرد و مریم، در سرود باشکوه خود، کلماتی را در این باره بیان می‌کند.

پادشاه نهایی از نسل داوود، پسر خداست زیرا او خود پسر خداست. مسیح عیسی از نسل داوود بود، اما او همچنین خداوند داوود نیز بود. متی ۲۲، ۴۱ تا ۴۶، داوود رهبران را متحیر می‌کند.

آیا مسیح پسر داوود است؟ مطمئناً همینطور است. او از نسل داوود است و عیسی این را انکار نمی‌کند. اما او می‌گوید، چرا این داوود در مزمور ۱۱۰ او را خداوند خطاب نکرد؟ وقتی می‌گوید، خداوند به خداوند من گفت، در دست راست من بنشین، تا دشمنانت را زیر پای تو اندازم.

او چطور پسر داوود است؟ سپس، آنها دیگر سوالی نپرسیدند. آنها دیگر سعی نکردند او را زمین بزنند زیرا او می‌توانست در بازی خودشان او را شکست دهد.

چطور می‌توانست او را شکست دهد؟ منظور این است که مسیح پسر داوود است. او یک انسان است، اما در عین حال الهی نیز هست. او خداوندی است که پسر داوود، یک انسان، شد.

عیسی، داوود بزرگتر است، واسطه‌ی عهد و پیمان که به قوم خود آرامش از دشمنانشان عطا می‌کند و قوم خود را به عنوان پسر خود خدا نمایندگی می‌کند. در سخنرانی بعدی‌مان، این مفهوم مشارکت در عهد و پیمان را به عنوان بخشی از پایه و اساس عهد عتیق برای اتحاد عهد جدید با مسیح، با صحبت در مورد بنده‌ی رنج‌کشیده‌ی خدا که کفاره‌اش بسیاری از چیزهایی را که در موردشان صحبت کرده‌ایم، محقق می‌کند، به پایان خواهم رساند.

این دکتر رابرت پترسون در حال تدریس در مورد روح القدس و اتحاد با مسیح است. این جلسه ۶، مبانی اتحاد با مسیح، عهد عتیق، مشارکت، واسطه‌ها است.